[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]

[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

سفینه، مجموعه، جُنگ

تحولاتِ تاریخیِ یک نوع ویژهٔ ادبی

محمد افشین‌وفایی*

جواد بشری**

چکیده

هریک از مصطلحات «مجموعه»، «سفینه» و «جُنگ» اکنون در معنایی به‌کار می‌رود که گاه با کاربرد آن در گذشته متفاوت است. هریک از این موارد، و نیز اصطلاحات دیگری مانند «بیاض»، «جریده» و حتی «کرّاسه»، «دفتر»، «مفرد» و «جزو» در زبان عربی و فارسی، برای مفاهیم ویژه‌ای وضع شده است که درعین داشتن نوعی تمایز از یکدیگر، گاه به‌شدت تعریف‌گریزند. به‌دست‌آوردن شناختی نسبی، با درنظرگرفتن کاربردشناسی مصطلحات مزبور در متون و اسناد هر دوره، ضرورتی انکارناپذیر است. ازسوی دیگر، برخی از این اصطلاحات، در ادواری به حوزهٔ معنایی یکدیگر وارد شده یا معنای دقیق خویش را از دست داده است که در ترسیم مفهوم آنها، لازم است به این تطوّر معنایی توجه شود. در این پژوهش مقدماتی، به کهن‌ترین شواهد و کاربردهای سه اصطلاح بنیادین «مجموعه»، «سفینه» و «جُنگ» در زبان فارسی، از آغاز تا پایان سدهٔ نهم هجری، با استناد به اشارات شاعران و ادیبان در متون، و نیز بررسی دقیق خود سفینه‌ها و جُنگ‌های کهن برجای‌مانده، پرداخته خواهد شد تا تحولات معنایی و مصادیق هریک از آنها در ادوار مختلف تاحدودی روشن شود. همچنین، در هر بخش، به روابط بین این اصطلاحات با کاربردهای متداول در ادوار دیگر به‌اختصار اشاره خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: سفینه، جنگ، مجموعه، گلچین‌های ادبی، ادب.

* استادیار دانشگاه تهران m.afshinvafaie@ut.ac.ir

** استادیار دانشگاه تهران j.bashary@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲ تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۲۸

دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۶، شمارهٔ ۸۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

مقدمه و طرح مسئله

اصطلاحات مجموعه، سفینه و جُنگ

هریک از اصطلاحات «مجموعه»، «سفینه» و «جُنگ»، درعین تعریف‌گریزی، در طول تاریخ ادب فارسی افادهٔ مفهوم ویژه‌ای داشته که در یک سیر تکوینی، اکنون در پاره‌ای موارد از معنای تاریخی خویش فاصله گرفته است. «مجموعه» به‌معنای چند اثر مستقل و مجزاست که در یک‌جا گردآوری و نشر شده، و درمجموع حالت یک رساله یا تک‌نگاری واحد را نداشته باشد. این تعریف، معادل اصطلاح غربی کلکسیون[۱] در دانش کتابداری، و کاربردی تقریباً جدید است (سلطانی و راستین، ۱۳۷۹: ۳۷۳-۳۷۴)، هرچند این به‌معنای آن نیست که اصطلاح «مجموعه» (به‌معنای کلکسیون)، معادلی جدید برای واژهٔ غربی اخیر باشد؛ زیرا از قرون متقدم، برخی آثار با عنوان مجموعه شناخته شده‌اند که با تعریف کلکسیون کاملاً تناسب دارد و نشان‌دهندهٔ آن است که در گذشته، قطعاً یکی از معانی و کاربردهای اصطلاح مجموعه، همین معنایی است که در دانش کتابداری جدید در نظر گرفته می‌شود.[۲] از معانی دیگر واژه در گذشته، پس از این سخن گفته خواهد شد. اما «جُنگ» در دانش کتابداری متأخر به‌مفهوم قطعات و اجزای برگزیده از نوشته‌های یک یا چند نویسنده است، به‌صورتی‌که آن اجزا، به‌خودی‌خود، استقلال نداشته باشند (همان، ۱۲۱، ذیل «جنگ» و «جوامیع»). همین استقلال‌نداشتنِ اجزا، فصل ممیز دو اصطلاح «جُنگ» و «مجموعه» در مفهوم جدید آنهاست. «سفینه» البته در کتابداری امروزی جایگاهی ندارد، اما از «گلچین»، اصطلاح دیگری نزدیک به آن، بهره برده می‌شود که با معادل غربی «آنتولوژی» یا «میسِلِنی»[۳] قرابت معنایی دارد و بر مجموعه‌ای از برگزیدهٔ آثار پدیدآوران مختلف، گاه به شعر و گاه به نثر، اطلاق می‌شود که در برخی مواقع به موضوع ویژه‌ای محدود می‌شود (همان، ۳۶۳). در دانش یا فن فهرست‌نگاری دست‌نویس‌های فارسی، یا به‌تعبیر دیگر، در دانش کتاب‌شناسی نسخه‌های خطی، این اصطلاحات فاصلهٔ چندانی با معنای جدید غربی‌شان ندارند؛ زیرا فهرست‌نگاران حدود یک‌قرن اخیر، «مجموعه» را با همان معنای جدید دانش کتابداری، و جنگ و سفینه را نیز تقریباً به همان معنا به‌کار گرفته‌اند. آنان تنها در پاره‌ای موارد و طبق قاعده‌ای نانوشته، به تمایزی بین دو اصطلاح اخیر، یعنی جُنگ و سفینه، قائل شده‌اند که ناظر به منظوم یا منثوربودن آثار است؛ به‌این‌معنا که سفینه را به اثری شامل قطعات و برچیده‌هایی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

از آثار منظوم اطلاق می‌کنند و جُنگ را اثری شامل قطعات و گلچین‌هایی از آثار فقط منثور، یا منظوم و منثور با هم، در نظر می‌گیرند.[۴]

با بررسی کاربرد اصطلاحات سفینه، مجموعه و جُنگ در متون و نیز خود سفینه‌ها و جُنگ‌های فارسی یا موارد دوزبانهٔ فارسی و عربی، و با بررسی مصطلحات دیگری چون «بیاض»، «جریده» و حتی «کرّاسه»، «دفتر»، «مفرد» و «جزو» که در پاره‌ای موارد به حوزهٔ معنایی مصطلحات سه‌گانهٔ نخستین وارد شده است، تطور معنایی هریک از آنها در ادوار مختلف تا حدودی روشن می‌شود. در این پژوهش، که تتبعی مقدماتی با یافته‌های گاه تازه به‌شمار می‌رود، کاربرد سه اصطلاح مورد بحث در قرون پنجم تا هشتم هجری[۵] در زبان فارسی بررسی شده است تا گذشته از مفهوم‌شناسی هریک از این موارد، روابط میان آنها نیز در طول تاریخ ادب فارسی مشخص شود. امید است با اتکا به یافته‌های چنین پژوهش‌هایی، بتوان سیر تکوین و کاربرد این سه اصطلاح و اصطلاحات دیگر مرتبط با آنها را در سدهٔ نهم هجری به بعد، که دوران رونق سفینه‌پردازی و مجموعه‌سازی در ادب فارسی است، بر پایه‌هایی استوار بنیان نهاد.

پیشینهٔ تحقیق

تاکنون بررسی دقیق این نوع ادبی در آثار تاریخ ادبیاتی یا پژوهش‌نامه‌های نقد ادب متقدم رواج نداشته و صرفاً پاره‌ای یادداشت‌ها درباب این موضوع نگاشته شده که شماری از آنها در مقدمهٔ چند سفینه و جُنگ ادبی تصحیح‌شده انعکاس یافته است. این یادداشت‌ها نیز اغلب به برشمردن منابع سفینه‌ای و جُنگ‌های کهنی اختصاص یافته که مصحّح در تکمیل یافته‌های خود دربارهٔ جُنگ یا سفینهٔ مورد پژوهش خویش به آنها مراجعه کرده و کمتر به اصطلاح‌شناسی پرداخته شده است (برای نمونه، ر.ک: جمال خلیل شروانی، ۱۳۷۵: مقدمه، ۷۰-۷۱؛ افشار: پیشگفتار «گنجینهٔ سفینه‌های کهن پارسی»؛ عظیمی، میلاد: ۹۱-۹۲ که به دسته‌بندی اولیه برای نخستین‌بار دست زده است). گذشته از این موارد، در چند پژوهش نسخه‌شناسی و کتابداری نیز به‌قدر مجال و نه به‌اندازهٔ نیاز، به این موضوع پرداخته شده است که ناکافی به‌نظر می‌رسد. ازاین‌میان، توصیف صفری آق‌قلعه (۱۳۹۰: ۷-۱۱) همچنان سودمند و پراطلاع به‌شمار می‌آید. این درحالی است که در چند اثر تازه‌تر در حوزهٔ کتابداری و فهرست‌نگاری مخطوطات، خبری از تعریف‌های دقیق و جامع نیست؛ برای مثال، باقری

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

خرمدشتی (۱۳۹۵: ۱۸)، تعریفی یک‌سطری و بسیار ابتدایی عرضه می‌کند و تعریف حبیب‌الـله عظیمی (۱۳۹۶: ۳۸)، بسیار نارسا و حاوی برخی اطلاعات خطاست. *سفینهٔ تبریز* در این پژوهش، «سفینه» معرفی شده است، حال‌آنکه به‌هیچ‌وجه چنین نیست و نام‌گذاری این مجموعه به‌صورتی که اینک مشهور شده، یک اطلاق متأخّر و هنری، و نه علمی، به‌شمار می‌رود.

در آثار پژوهشگران ادب عربی، البته، اشاراتی به این مصطلحات و مواردی که معنای نزدیکی به آنها دارند وجود دارد که از همه برتر، تتبع و دسته‌بندی دقیقی است که بِلال اورفه‌لی،[۶] استاد دانشگاه امریکایی بیروت، در مقاله‌ای که به سال ۲۰۱۲ منتشر کرد، از مجموعه‌ها و سفینه‌های کهن عربی از قرن دوم هجری تا سقوط بغداد توسط هولاکو، به‌دست داد و موفق شد منابع مورد بررسی خود را با تعاریفی نسبتاً صحیح از یکدیگر متمایز کند (۲۰۱۲: ۳۷-۵۹). برای مقایسهٔ دانسته‌های عرضه‌شده در پژوهش اورفه‌لی با پژوهش‌های مختصر و ناقص پیشین، مطالب او را فی‌المثل می‌توان با یکی دو اشارهٔ مختصری که در کتاب *فرهنگ اصطلاحات توصیفی نسخه‌های خطی جهان اسلام* آمده است سنجید (در: گاچک، ۱۳۹۴: ۶۲ و ۱۱۹).

سفینه

آنچه امروزه «سفینه» را از «مجموعه» (به‌معنای امروزی) متمایز می‌کند، استقلال‌نداشتن بخش‌ها و قطعات تشکیل‌دهندهٔ یک تألیف است. چنان‌که گفته شد، فهرست‌نگاران نسخ خطی، سفینه را متشکل از مجموعه‌ای از قطعات غیرمستقل منظوم درنظر می‌آورند. سفینه‌ها یا طبق چینش موضوعی گردآوری می‌شوند، یا اگر چنین چینشی هم نداشته باشند، نباید منظومات هر سراینده از جایی مجزّا و احیاناً با دیباچه و خاتمه‌ای مستقل در آغاز و انجام، از بقیهٔ بخش‌ها تفکیک‌پذیر باشد. اما خواهیم دید که در کاربردشناسی متقدم این اصطلاح در برخی مواقع به اصطلاح جُنگ در معنای جدید آن، و در پاره‌ای موارد به «مجموعه» نزدیک می‌شود. در اینجا، لازم است برخی از یافته‌های تازه درباب سیر تحول این اصطلاح باتوجه به نخستین شواهد به‌دست‌آمده به‌ترتیب تاریخی عرضه شود، اما، پیش‌ازهرچیز، ذکر این نکته دربارهٔ کاربرد اصطلاح سفینه در گذشتهٔ ادبی زبان فارسی پراهمیت به‌نظر می‌رسد که باوجود ریشهٔ تازی این واژه، احتمالاً نخستین‌بار ادبای فارسی‌گوی آن را در نقش اصطلاحیِ خود به‌کار برده‌اند (قزوینی، ۱۳۲۶: ۷۰). فارسی‌زبانان با نگاهی استعاری[۷] این معنای جدید را برای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

واژهٔ مزبور وضع کرده‌اند که قبول عام یافته است (برای نمونه‌ای کهن از سدهٔ چهارم هجری، ر.ک: همان، ۷۰؛ صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۰: ۸).

قدیم‌ترین کاربرد فارسی اصطلاح «سفینه»، در شعر عمعق بخارایی (۵۴۲/ ۵۴۳ق)، سرایندهٔ شهیر دربار ایلک‌خانیان/ آل‌افراسیاب، زیسته در سدهٔ پنجم و ششم هجری، دیده می‌شود.[۸] او در قصیده‌ای مدحی، فضل ممدوح خویش را چنین می‌ستاید:

ز روی علم و هنر نادری‌ست، در هر نوع — ز روی فضل و ادب آیتی‌ست، در هر باب
درین، صحیفهٔ فهرست گنج‌های علوم — دران،[۹] سفینهٔ[۱۰] کُتْب نوادر و آداب
(عمعق، ۱۳۸۹: ۲۲۵)

ممدوح شاعر در این بیت، به صحیفه‌ای دربردارندهٔ سیاههٔ گنج‌های علوم و به «سفینه»ای شامل مطالبی برگزیده از کتاب‌هایی در موضوع نوادر و آداب مانند شده است. شاعر بخارایی ممدوح خود را در مصراع نخست به گستردگی دانش و در مصراع دوم به آگاهی از هنرها و آداب دربار، یا همان «ادب» به‌معنای رایج نزد دیوانیان و درباریان متقدم، ستوده است. عمعق در این تعبیر کتاب‌هایی را در زمرهٔ «سفینه» قرار داده است که مطالب متنوعی در آداب اشرافی‌گری و ملزومات دربار و نیز حکایاتی در نوادر، به نظم و نثر، دربرداشته‌اند و شاید برخی از مشهورترین آنها در دسترس ایرانیان یا از تألیفات ادیبان ایرانی بوده است؛ آثاری چون *عیون الاخبار* و *ادب‌الکاتب* هر دو از ابن‌قتیبه؛ برخی از آثار جاحظ، کتاب *التاج* منسوب به جاحظ که از او نیست؛ *العقد الفرید* از ابن‌عبدربه؛ برخی آثار ثعالبی مانند *التمثیل و المحاضره*، *نثر الدرر آبی*؛ *محاضرات الادباء* راغب اصفهانی؛ و *ربیع الابرار*، اثر مشهور ادیب بزرگ خوارزمی، زمخشری، که فاصلهٔ زمانی چندانی با عصر عمعق ندارد.[۱۱] در ادوار پسین، اصطلاح «سفینه» را کمتر برای کتاب‌های «ادب» و «محاضرات» به‌کار برده‌اند؛ زیرا تألیفاتی که در این گروه قرار می‌گرفته، اغلب نام‌های هنری مخصوص به خود داشته و کمتر «سفینه» نام‌گذاری می‌شده‌اند.[۱۲]

بررسی ساختار «سفینه»های نوادر و آداب، وقتی هیچ سفینه‌ای از آن روزگار دارای دیباچه و آغاز و انجامی روشن به زبان فارسی باقی نمانده است، صرفاً به‌صورت فرضی و تقریبی میسر است؛ زیرا شناخت ما از «سفینه» در آن روزگار و اینکه دقیقاً دارای چه ساختاری بوده است، شناختی نسبی است. بااین‌همه، اگر بخواهیم اشتمال سفینه‌ها را بر نثر، از منظر ادیبان فارسی‌گوی متقدم بررسی کنیم، می‌توان نتیجه گرفت که بیت عمعق تا حدودی نشان‌دهندهٔ حضور نثر در سفینه‌های ادوار مزبور است؛ زیرا هم نوع ادبی «نوادر»

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

که عمعق به آن اشاره می‌کند و هم نگاشته‌ها در حیطهٔ «ادب» اغلب به‌همراه حکایاتی منثور عرضه می‌شده است. علاوه‌براین، بیتی از عثمان مختاری در دست است که برمبنای آن، علاوه‌بر اثبات وجود مطالبی به زبان عربی در سفینه‌ها، می‌توان وجود منشآت و نگارش‌های منثور را در دست‌کم برخی از سفینه‌های سدهٔ ششم هجری قطعی دانست:

میان رحل دبیران فحل در بغداد — ز نامه‌های تو باشد سفینه‌های نفیس[۱۳]

(عثمان مختاری، ۱۳۸۲: ۲۳۲)

درواقع، این بیت درکنار بقیهٔ ابیاتی که پیش از این، در متن و پانویس این نوشتار آمد، حاکی از آن است که در سدهٔ ششم هجری، اصطلاح مزبور در برخی موارد به کتاب‌هایی از جنس محاضرات و کتاب‌های «ادب»، یا مجموعه‌های نظم و نثری که شباهتی به آن دسته از کتاب‌های اخیر داشته‌اند اطلاق می‌شده است؛ که به‌معنای جُنگ در کاربرد متأخر آن در دانش کتاب‌شناسی دست‌نویس‌های ایرانی نزدیک است.

کاربردهای دیگر سفینه در شعر سدهٔ ششم هجری، در ابیاتی از ادیب صابر ترمذی (مقتول بین ۵۳۸-۵۴۲ق)، سوزنی سمرقندی (ح ۵۶۹ق)، ستایشگر دیگر آل‌افراسیاب، رضی‌الدین نیشابوری و رشید وطواط، هر دو زیسته در ماوراءالنهر، جلوه‌گر است:

شاعر شده‌ست بلبل و اشعار خویش را — از برگ گل سفینه و دفتر کند همی

(ادیب صابر، ۱۳۴۳: ۱۲۲؛ همان، ۱۳۸۵: ۲۸۱)

از قلم سوزنی به مدحت صاحب — پنجه دیوان بیش باد و سفینه

(سوزنی، به نقل از: دهخدا، ۱۳۷۷: مدخل «سفینه»[۱۴])

در سفینه سخن خویش بدان ثبت کنم — تا مگر روزی بر دست همایون گذرد

(رضی‌الدین نیشابوری، ۱۳۸۲: ۵۹)

یکی پر دُر سفینه عاریت داد — مرا آن در معالی بی‌قرینه
به یک نظرت درون از بس فواید — مرا مانند دریا گشت سینه
سفینه گر ز بهر دفع غرق است — غریق منّتم کرد این سفینه

(رشیدالدین وطواط، ۱۳۳۹: ۶۰۵)

از میان این سرایندگان، احتمالاً ادیب صابر و سوزنی سفینه را به‌معنای دیوان و دفتر شعر سرودهٔ خود، و نه دیوان دیگران، که متشکل از سروده‌های چند شاعر باشد («مجموعه»)، به‌کار برده‌اند که معنای تازه و ناشناخته‌ای است، معنایی که از سدهٔ هشتم هجری به بعد کمتر دیده می‌شود و رفته‌رفته رنگ می‌بازد.[۱۵] اما، در شعر رضی نیشابوری، حکم به تعیین دقیق مصداق «سفینه» مستلزم دقت و احتیاط بیشتری است. رشید وطواط نیز آن را

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

به‌گونه‌ای به‌کار برده که گویی گلچینی از آثار دیگران را منظور داشته است. اما شاید یکی از مهم‌ترین کاربردهای این اصطلاح در مناطق شمال شرقی ایران و نیز ماوراءالنهر، دو شاهدی است که در *لباب‌الالباب* عوفی آمده و نزدیک به معنای مجموعه‌های متنوع و گاه «جریده»مانندی است که خطوط افراد مختلف را برای تذکار و یادگار در خود داشته است (ر.ک: عوفی، ۱۳۳۵: ۱۳۰، ۲۳۷). به‌اختصار، می‌توان افزود که شیوهٔ «جریده»پردازی ـ که خود نوعی از مجموعه‌سازی منظوم و منثور به‌شمار می‌آید ـ در ادوار بعد، فی‌المثل در سدهٔ هشتم هجری، به سنتی رایج تبدیل شد که نمونه‌های چندی نیز از این مجموعه‌های جریده‌مانند برجای مانده است. عوفی شواهد دیگری از این کاربرد را نیز نشان می‌دهد که برخی به معانی پیش‌گفته بسیار نزدیک است و برخی نیز ابهام دارد (همان، ۱۹۱، که روشن نیست «سفینه» چه ماهیتی دارد؛ ۱۹۷، به‌معنای «دیوان» یا «مجموعهٔ» اشعار شخصی یک سراینده؛ ۲۳۵، که به «سفینه»ای بدون قید و توضیح دیگری اشاره شده است).

از سدهٔ هفتم هجری، نمونه‌هایی از سفینه‌ها و جُنگ‌های ادبی در دست است، اما، اغلب این منابع فاقد دیباچه‌ای هستند که در آن نامی و عنوانی بر آنها اطلاق و تعریفی از سفینه یا مجموعه در آن بخش عرضه شده باشد. به‌همین‌دلیل، بررسی سیر تطور کاربرد این اصطلاح در سدهٔ هفتم هجری نیز، مانند سده‌های پیشین، تنها برمبنای شواهد متنی خواهد بود. شمار این شواهد، از این قرن به بعد، البته، چنان فراوان است که برای عرضهٔ آن در این مختصر مجالی نخواهد بود. اما از برخی از مهم‌ترین این شواهد برمی‌آید که سفینه در نگاه ادیبان این دوران، هم به‌معنای منتخباتی از نظم و نثر، به همان معنایی که در سدهٔ ششم هجری دیده شد، به‌کار می‌رفته است،[۱۶] و هم شاید به‌معنای جُنگ‌ها و گلچین‌های صرفاً شعری و عاری از نثر.[۱۷] از شواهدی که از این اصطلاح در سدهٔ هشتم هجری در دست است، می‌توان مشابه چنین تقسیم‌بندی‌ای به‌دست داد؛ به‌این‌معنا که ادیبان این قرن، علاوه‌بر معنای سفینهٔ صرفاً نظم و عاری از نثر، که از این زمان به بعد خوشبختانه نمونه‌های چندی از آن تنها مشتمل بر نظم برجای مانده،[۱۸] از سفینه‌هایی یاد کرده‌اند که در خود مطالب منثور نیز داشته است.[۱۹] از قرن نهم و دهم هجری که یکی از ادوار درخشان در سفینه‌پردازی، به‌ویژه در مکاتب هنرمندان بغداد، شیراز، تبریز و هرات و از آن پس هنروران وابسته به دربارهای آق‌قویونلو، عثمانی و صفوی است، «سفینه»ها رفته‌رفته، و نه به‌طور مطلق، بیشتر به آثار منظوم اختصاص می‌یابد. احتمالاً، از همین زمان است که کتابداران و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

ادیبان به اصطلاحات تازه‌تری نیاز پیدا می‌کنند، که «جُنگ» احتمالاً یکی از آنهاست. اصطلاحی که در طول دوران شکل‌گیری و حیات خود، سیر تکاملی ویژه‌ای داشته است و در بخش دیگری از این پژوهش، به آن پرداخته خواهد شد.[۲۰]

مجموعه

این اصطلاح و صورت دیگر آن، یعنی مجموع، در بسیاری از منابع سدهٔ ششم هجری به بعد، به‌معنای «تألیف» دیده می‌شود.[۲۱] پرسش اینجاست که از چه زمانی این واژه معنای اصطلاحی سفینه و جُنگ ادبی یا چیزی مشابه آن را یافته است. برای یافتن پاسخ، از همهٔ شواهد پرتعدادی که در آنها مجموعه/مجموع به‌معنای تألیف و نگارش به‌کار رفته عبور می‌کنیم و صرفاً به مواردی می‌پردازیم که به‌معنای موضوع گفت‌وگو نزدیک‌تر باشند. طبیعی و معقول نیز چنین است که وقتی «مجموعه» به‌معنای تألیف و نگارش را در سدهٔ ششم هجری سراغ داریم، از نخستین گلچین‌های ادبی به زبان فارسی، به «مجموعهٔ اشعار» تعبیر شده باشد، و چنین نیز بوده است؛ گاهی با قید «اشعار» و شاید زمانی بدون آن. راوندی، پدیدآور *راحةالصدور*، که در ۵۹۹ ق. نگارش اثر خویش را آغاز کرده است، گزارشی از یک مجموعهٔ ادبی، مشتمل بر نظم و نثر،[۲۲] عرضه می‌کند که در ۵۸۰ ق. به‌دست دایی او، زین‌الدین راوندی، گردآوری شده است. درباب ساختار این مجموعهٔ مصوّر ادبی لازم است در مجالی دیگر سخن گفته شود. آنچه در این بحث اهمیت دارد، واژه و تعبیری است که راوندی برای آن اثر به‌کار برده است: «در شهور سنهٔ ثمانین و خمس‌مائهٔ خداوند عالم رکن‌الدنیا و الدین طغرل‌بن‌ارسلان را هوای مجموعه‌ای بود از اشعار» (الراوندی، ۱۳۶۴: ۵۷). راوندی از آرزوی خود مبنی بر گردآوری اثری مشابه سفینهٔ تدوین‌شده برای سلطان سلجوقی یاد می‌کند که سال‌ها بعد گریبان او را گرفته است. او آنجا نیز از اصطلاحی مشابه برای آن سفینه استفاده کرده است: «مؤلف این مجموع [= کتاب راحةالصدور]... خواست که اختیار چند شعر و نثر بکند و در مجموعی آرد تا یاد گیرند» (همان، ۵۸). اما واضح است که با توجه به غلبهٔ معنای «تألیف» برای این اصطلاح در سدهٔ ششم هجری، هر دو نمونهٔ اخیر را به‌معنای عام مزبور نیز می‌توان برداشت کرد. متأسفانه، هیچ سفینه‌ای از نظم و نثر نیز از سدهٔ ششم هجری در دست نیست که در دیباچه یا خاتمه، به هویت آن اشاره‌ای شده باشد و نشان دهد چنان کتابی را در آن ادوار چه می‌نامیده‌اند. از دو فقره اشارهٔ راوندی که

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

بگذریم، در سدهٔ هفتم هجری شاهدی که نشان‌دهندهٔ اطلاق اصطلاح مزبور بر سفینه‌های ادبی باشد، در حد جست‌وجوهای ما، یافت نشد.[۲۳]

اما، در سدهٔ هشتم هجری شواهدی از متون نظم و نثر و نیز خود سفینه‌ها در دست است که نشان می‌دهد واژهٔ مزبور دیگر معنای اصطلاحی خود را یافته است. با اینکه همچنان ترسیم دقیق ساختار مجموعه به‌معنای اصطلاحی آن، چنان‌که در منابع سدهٔ هشتم هجری به‌کار رفته، دشوار است، شواهد موجود از سدهٔ هشتم هجری نشان می‌دهد ادیبان این عهد از معنای اصطلاحی آن به‌خوبی آگاه بوده‌اند؛ اگرچه هنوز هم در این قرن بسامد کاربرد اصطلاح «مجموعه» به‌معنای مورد بحث بسیار کمتر از بسامد اصطلاح «سفینه» است. شاید یکی از نخستین کاربردهای اصطلاح «مجموعه» را بتوان در دیباچهٔ کلاتی اصفهانی بر سفینهٔ ساختارمند و مدونش، *مونس‌الاحرار فی دقایق‌الاشعار*، نشان داد که در محلهٔ دردشت اصفهان آن را گردآوری کرده و دیباچه‌اش را به تاریخ پنجشنبه اول ربیع‌الاول ۷۰۲ق نگاشته است.[۲۴] این اصطلاح در دیباچه چندبار تکرار شده است که دست‌کم یک مورد (مورد دوم) یا حتی دو مورد آن (دو مورد آخر) به‌احتمال بسیار به‌معنای سفینه به‌کار رفته است:

> ...اکابر کرام و صدور عظام و افاضل انام و نقادان سخن و صرافان جواهرشناس هنرمند که هریک فضلی وافر و ذکری سایر دارند خاطر عاطرشان بدین علم شعر مایل و بخواندن ملتفت می‌بود، گاه‌گاه این بنده را تفقدی فرمودندی. روزی بموجب فرمان بشتافتم و سعادت خدمت مبارکشان دریافتم. در ذکر اشعار شعرای سلف و کتابی که امام رشیدالدین محمد المعروف برشید وطواط رحمه[۲۵] الـله ساخته و آن را *حدایق‌السحر* نامند بحثی می‌رفت. چون خاطر عاطر آن بزرگان هنرمند و مشاهیر خردمند متعلق نظم و اشعار مصنوعات دل‌آویز استادان دید، خادم مخلص، اضعف عبادالـله الوهاب، احمدبن محمدبن احمدبن محمد المعروف بکلاتی اصفهانی بمحلهٔ دردشت، بموجب فرموده و اشارات رای منیرشان از دواوین ملوک حکما و اشعار امرای شعرا که مشهور بود انتخابی کرد و مجموعه‌ای ساخت، چنان‌که از تمامی مصنوعات و لطایف و بدایع که رشیدالدین در *حدایق‌السحر* یاد کرده و بیتی در استشهاد آورده و استادی به‌کار برده هم بدان صنعت بابی موضوع کرد... . و یقین بنده آن است که امروز در علم شعر و شاعری مجموعه‌ای بدین جزالت موجود نیست و درستی این معنی به مطالعه و مقایسه مفهوم گردد. و در باب[۲۶] لغات فرس بتمامی و عروض نوشته شد که اصحاب این صناعت را ازان ناگزیر باشد. و این

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

مجموعهٔ لطایف و این یار دلدار و حریف غمگسار و محبوب افاضل روزگار *مونس الاحرار فی دقایق الاشعار* نام کرده شد... (کلاتی اصفهانی، ۲ر- ۳پ).

در همین قرن، هندوشاه نخجوانی هنگام ذکر ماجرایی دربارهٔ پرونده‌سازی خلیفهٔ عباسی برضد وزیر مغربی (۳۷۰-۴۱۸ق.)، از مجموعه‌ای از شعر وزیر مغربی به خط خود او یاد می‌کند که در آن یکی از سروده‌های او به عربی مشتمل بر قدح مهاجران عهد رسول‌الـله وجود داشته است. به‌تعبیر هندوشاه، القادر بالـله، خلیفهٔ عباسی، آن «مجموعه را به دیوان خلافت آورد و به‌حضور قضات و فقها و اعیان بغداد بخواند و بیشتر اهل مجلس گواهی دادند که این مجموعه خط مغربی است» (نخجوانی، ۱۳۱۳: ۲۴۹). مجموعه در این کاربرد، به‌احتمال فراوان، درحالِ یافتن معنای اصطلاحی‌ای است که موضوع این بخش از سخن است. شاید بعید نباشد اگر بگوییم هندوشاه «دفتر شعر»ی از وزیر مغربی را یک مجموعه خوانده است. باری، هرچه هست، این معنا دیگر با معنای اصطلاحی نخست واژه، یعنی تألیف، فاصله دارد. در سروده‌های شاعران سدهٔ هشتم هجری، همین معنای اصطلاحی دوم، در مواقعی با کاربردی ایهامی، روایی بسیار می‌یابد. جهان‌ملک‌خاتون، سرایندهٔ سدهٔ هشتم هجری، در قطعه‌شعری، از بازیابی یکی از سروده‌های خود با مخاطب سخن می‌گوید که ممکن است آن سروده‌ها در یکی از دواوین خاص خود شاعر یا در مجموعه‌های شعری، یعنی سفینه‌های شعری، دست‌یاب شود:

ز مجموعه‌ها و ز دیوان خاص — به دستت گر افتد ز شعر جهان
به سازی که خواهی زمانی بساز — به آواز خوش یک دو بیتی بخوان

(جهان‌ملک‌خاتون، ۱۳۷۴: ۴۰۸)[۲۷]

از چند بیت حافظ برمی‌آید که او واژهٔ مزبور را به‌معنای اصطلاحی آن به‌کار برده است یا دست‌کم یکی از معانی درنظرگرفتهٔ آن را به‌شیوهٔ ایهامی، معنای سفینه قصد کرده است.[۲۸] در سفینهٔ شمس حاجی شیرازی، پدیدآمده در شمال دریای سیاه در ۷۴۱ ق.، تعبیر مجموعه در انتهای اثر و در محل رقم کاتب دیده می‌شود (شمس حاجی، ۱۳۹۰: ۵۵۴) که باز حاکی از استفاده از کاربرد معنای اصطلاحی اخیر در این قرن است. تنها برای چند شاهد نمونه‌وار از آغاز سدهٔ نهم هجری باید به سفینهٔ زیلوفاف اشاره کرد که به ابراهیم سلطان تیموری (حک ۸۱۷-۸۳۸ ق) تقدیم شده و در دیباچه‌اش به‌قلم شرف‌الدین علی یزدی، مجموعه خوانده شده است (شرف‌الدین علی یزدی، ۱۳۸۸: ۷۰؛ صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۱: ۴۰۱).[۲۹] سرنخ‌های دیگری نیز از گلچین‌هایی ادبی همین روزگار در دست است که آنها را صراحتاً مجموعه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

خوانده‌اند (شرف‌الدین علی یزدی، ۱۳۸۶: ۴۰-۴۱). برای آخرین نمونه از این سده، لازم است به نام جُنگ سیف جام هروی متعلق به دههٔ نخست سدهٔ نهم هجری اشاره شود. او اثر خود را مجموعهٔ لطایف و سفینهٔ ظرایف نامیده است (سیف جام هروی، دستنویس بریتانیا: گ ۲الف). برای تکمیل بحث یادآوری می‌شود که عنوان «مجموعهٔ اشعار» برای مجموعهٔ دواوین و آثار چند شاعر مختلف نیز، به‌طور طبیعی، به‌کار می‌رفته است که شاید استقصای آن موارد میسر نباشد. تنها نمونه را می‌توان به مجموعهٔ کتابخانهٔ بادلیان شامل اشعار امیرخسرو، حافظ، کمال خجندی، حسن بساطی، جلال عضد و عماد فقیه مورخ ۸۳۹ ق. اشاره کرد که در انجامه صریحاً «مجموعهٔ اشعار» خوانده شده است (نیساری، ۱۳۸۰: ۶۸).

جُنگ

اصطلاح حاضر، پیشینه‌ای دیگرگونه نسبت به دو اصطلاح قبلی دارد. واژهٔ اخیر، نه یک واژهٔ اسلامی، که واژه‌ای از شرق دور، چین،[۳۰] و با تلفظی به‌صورت «جُنگ» (Jung) است. این واژه را در چین بر نوعی کشتی بزرگ اطلاق می‌کنند که با وجود تغییراتی که به‌مرور زمان در ساختار و اندازهٔ خود یافته، نقش مهمی در دریانوردی و تجارت چین برعهده داشته است.[۳۱] ضبط «جونک» نخستین‌بار در متون فارسی عهد ایلخانی دیده شده است و شاید قدیم‌ترین کسانی که آن را به‌کار برده‌اند، خواجه رشیدالدین فضل‌الـله همدانی (مقتول: ۷۱۷ ق.) به‌صورت «جونک/ جونگ»[۳۲] و پس از او در همان اوایل قرن هشتم هجری، وصّاف‌الحضرهٔ شیرازی به‌صورت «جنک/ جنگ» باشند (وصاف‌الحضره، ۱۲۶۹ق: ۳۰۱؛ وصاف‌الحضره، نسخهٔ مجلس: گ ۱۵۵الف.[۳۳] نیز ر.ک: قزوینی، ۱۳۳۳: ۱۷۹. برای آگاهی از نظر برخی فرهنگ‌نویسان سدهٔ دهم و یازدهم هجری درباب این واژه، نمونه را ر.ک: سروری کاشانی، ۱/۱۳۳۸: ۳۵۷). ازآنجاکه در فضای ادبی ایران، سفینه، در بافتی استعاری، به‌معنای گلچین ادبی به‌کار می‌رفته، واژهٔ «جونک/ جونگ» نیز که خود به‌معنای نوعی کشتی است، به تبعِ آن در چنین معنایی و با همان کاربرد استعاری، آرام‌آرام جای خود را باز کرده است.[۳۴]

از ریشه و پیشینهٔ واژه که بگذریم، باید اشاره کرد که قدیم‌ترین نمونه‌های کاربردی آن، به‌معنای اصطلاحی‌اش، در اوایل سدهٔ نهم هجری دیده می‌شود. اینکه افشار (۱۳۸۰: ۲۱۱) نوشته است: «ظاهراً کلمهٔ جُنگ بر نام مجموعه‌های خطی در قرن هشتم... گذاشته نمی‌شد یا من ندیده‌ام؛ معمولاً، بیاض و سفینه مصطلح بوده است»، درست است. این واژه در دیباچهٔ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

سفینه‌های ادبی نیمهٔ دوم سدهٔ نهم هجری به بعد است که رفته‌رفته تداول می‌یابد (شرف‌الدین علی یزدی، ۱۳۸۶: ۴۰؛ ۱۳۸۸: ۶۲؛ صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۰: ۱۰). با دقت در وجه اشتراک شواهد اخیر، به‌نظر می‌رسد کاربرد اصطلاحی جُنگ به‌معنای کتاب ادبی، از درگاه هنرپرور برخی شاهزادگان آل‌تیمور نشئت گرفته باشد. با چنین روایی‌ای، این اصطلاح از قرن دهم هجری به بعد، به‌این‌معنا، علاوه‌بر بلاد ایران، گویا در بقیهٔ مناطقی که زبان فارسی کاربرد داشته نیز فهم می‌شده است. نکتهٔ آخر آنکه مفهومی که این واژه به ذهن ادبا و کتاب‌پردازان سدهٔ نهم هجری متبادر می‌کرده همیشه یکسان نبوده و تا رسیدن به یک نقطهٔ پایدار، سیر تطوّر و تحولاتی داشته است. به‌طوری که در برخی از نخستین کاربردها، شواهدی در دست است که نشان می‌دهد اصطلاح جُنگ، حتی به‌معنای «مجموعه» (در معنای امروزین آن، شامل چند اثر مستقل) استعمال می‌شده است (فیروزبخش، ۱۳۹۲: ۳۱۷- ۳۱۹).[۳۵]

کاربرد این اصطلاحات نزد گردآورندگان مجموعه‌ها، جُنگ‌ها و سفینه‌ها

احمدبن‌محمد کلاتی اصفهانی مجموعهٔ/سفینهٔ ارزشمند خود را، مشتمل بر سی‌باب با نام *مونس الاحرار فی دقائق الاشعار*، تدوین‌شده در سال ۷۰۲ ق. در محلهٔ دردشت اصفهان، با عبارت «مجموعه» وصف کرد: «از دواوین ملوک و حکما و اشعار امرا و شعرا که مشهور بود انتخابی کرد و مجموعه‌ای ساخت...» (کلاتی اصفهانی، گ ۲ر). محمدبن‌بدر الجاجرمی شاعر، که به سال ۷۴۱ ق. *مونس الاحرار فی دقایق الاشعار* را براساس کتاب کلاتی فراهم آورد نیز از آن با همین عنوان «مجموعه» یاد کرده است (محمدبن‌بدر الجاجرمی، ۱۳۳۷/ ۱: ۲ و ۴؛ ۱۳۵۰/ ۲: ۱۲۲۶). در انجامهٔ سفینهٔ شمس حاجی، که در رجب همین سال کتابت شده است، بعد از آوردن شعر معروف کمال دربارهٔ «سفینه»، همین عنوان «مجموعه» برای آن کتاب دیده می‌شود (شمس حاجی، ۱۳۹۰: ۵۵۴). در انجامهٔ سفینهٔ دیگری از او نیز، که تاریخ کتابتش ۷۵۱ ق. است، باز همین عنوان «مجموعه» را می‌بینیم (همان، ۱۲۷). در انجامهٔ مجموعهٔ شعری شمارهٔ ۴۴۹ کتابخانهٔ راغب‌پاشا در استانبول (مجموعهٔ مدرسهٔ یحیی توفیق) مورخ شعبان ۷۵۴ ق. بدان نام «مجموعه» داده شده است (گ ۱۵۱ب). در آغاز مجموعهٔ شعری ملحقات حالت افندی (دست‌نویس کتابخانهٔ سلیمانیه، گ ۱ب) که در نیمهٔ سدهٔ هشتم احتمالاً در آناطولی کتابت شده با هر دو عنوان سفینه و مجموعه مواجهیم. فخرالدین محمودبن‌ابی‌الخیر الفالی، یکی از نویسندگان بیاض تاج‌الدین

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

احمد وزیر که در ۷۸۲ ق. گرد آمده، به آن عنوان «سفینه» داده است (تاج‌الدین احمد وزیر، ۱۳۵۳: ۶۳، ۸۶؛ تاج‌الدین احمد وزیر، ۱۳۸۱: ۱۱۴-۱۱۵، ۱۲۷). فضل‌الـله‌بن‌روزبهان خنجی که این نسخه را در سال ۹۱۱ در هرات خریده است نیز از آن با عنوان سفینه یاد کرده است (تاج‌الدین احمد وزیر، ۱۳۵۳: ۱۶مقدمه؛ تاج‌الدین احمد وزیر، ۱۳۸۱: ۴۶-۴۷). مسافربن‌ناصر الملطوی *انیس‌الخلوة و جلیس‌السلوة* را در «منتخبات اشعار» و «حکایات و لطائف منظوم و منثور و رسایل و مضاحک» در حدود سال ۸۰۰ ق. برای مطالعهٔ مخدوم‌زادهٔ خود ضیاءالدین امیرمحمود، پسر یکی از وزرای حکومت‌های محلی آناطولی، یعنی امیر جلال‌الدین عمربک، در یکی از مناطق آسیای صغیر فراهم آورده و آن را هم «سفینه» نامیده است هم «مجموعه» (مسافربن‌ناصر الملطوی، ۱۳۹۰: برگ ۱پ، ۷پ) و از اینجا معلوم می‌شود تفاوتی میان این دو اصطلاح نمی‌دیده است. محمدبن‌یغمور هم که اثر خود را در اواخر سدهٔ هشتم در شهر ترمد در ماوراءالنهر فراهم آورده آن را «سفینه» نامیده است (محمدبن‌یغمور، ۱۳۹۶: ۳، ۵، ۷، ۲۶۵).

جُنگ شعری به شمارهٔ ۹۰۰ در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود که رقم کاتب ندارد، اما از قرائن پیداست در نیمهٔ اول سدهٔ هشتم هجری کتابت شده است. این جُنگ دیباچه‌ای درباب فضیلت سخن و اقسام آن دارد و در همین دیباچه از آن دوبار با نام «سفینه» و یک‌بار با عنوان «مجموعه‌ای که مجمع لطایف اشعار و منبع ظرایف افکار است» یاد شده است (سفینهٔ ۹۰۰، دست‌نویس مجلس: ۳). جمال‌الدین محمدبن‌محمد اصفهانی مشهور به جمال معلم *یتیمة الدرر وکریمة الفقر* را در اواخر سدهٔ هشتم در نظم و نثر فراهم آورده و آن را چنین توصیف کرده است: «مجموعه‌ای موشّح به خطوط اکابر و محلّی به ارقام افاضل بلدهٔ شیراز» و چندبار دیگر نیز آن را «مجموعه» عنوان داده است (جمال معلم، ۱۳۹۰: ۱-۳). سیف جام هروی، که در میان سال‌های ۷۶۲ تا ۸۰۴ ق. در هند مجموعهٔ منحصر و درخشانی دربارهٔ شعر فارسی و صنایع ادبی گرد آورده آن را «مجموعهٔ لطائف و سفینهٔ ظرائف» نامیده و به‌این‌ترتیب هم از کلمهٔ «مجموعه» برای نامیدن کتاب خود بهره برده و هم از «سفینه»، و از این نام‌گذاری او نیز معلوم است که برای او هم تفاوت معنایی‌ای میان این دو نام نبوده است (سیف جام هروی، گ ۲الف). در دیباچهٔ جُنگ زیلوفاف که در میان سال‌های ۸۱۷ تا ۸۳۸ ق.، یعنی دوران حکومت ابراهیم‌میرزا تیموری

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

کتابت شده است، از آن با عنوان «مجموعه» یاد شده است (ر.ک: صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۱: ۳۴۷- ۳۵۱ و ۴۰۱). یادآوری این نکته نیز بی‌فایده نیست که بر اوراق بدرقهٔ جُنگ مورخ ۷۳۰ ایاصوفیه به خط جدید نوشته‌اند «مجموعهٔ جونگ بزرگ است». در سفینهٔ ۶۵۱ سنا بارها عنوان «سفینه» برای آن به‌کار رفته است (ضیاء، ۱۳۹۱: ۳۰۲، ۳۰۴، ۴۸۵).

نتیجه‌گیری

در دانش کتابداری امروزی، برخی کلمات و اصطلاحات تحول معنایی یافته‌اند و معنای آنها لزوماً با معنای تاریخی‌شان انطباق کامل ندارد. با بررسی کاربرد اصطلاحات «جُنگ»، «سفینه»، «مجموعه» در متون و نیز خود سفینه‌ها و جُنگ‌های فارسی، و بررسی مصطلحات دیگری چون «بیاض»، «جریده» و حتی «کرّاسه»، «دفتر»، «مفرد» و «جزو»، که در پاره‌ای موارد به حوزهٔ معنایی مصطلحات سه‌گانهٔ نخستین وارد می‌شود، تحولات مفهومی هریک از آنها در ادوار مختلف روشن شد. در این جُستار، برای نخستین‌بار کوشیده شده تا سابقهٔ این اصطلاحات و تحول معنایی هریک از آنها از قدیم‌ترین نمونه‌های فارسی دری تا اوایل سدهٔ نهم هجری به‌قدر توان بررسی شود.

از قرون متقدم، برخی آثار باعنوان مجموعه شناخته شده‌اند که با تعریف کلکسیون کاملاً تناسب دارند و این نکته نشان‌دهندهٔ آن است که در گذشته، قطعاً یکی از معانی و کاربردهای اصطلاح مجموعه، همین معنایی است که در دانش کتابداری درنظر گرفته می‌شود. اما، آنچه مفهوم «جُنگ» و «مجموعه» را در دانش کتابداری متأخر از هم متمایز می‌سازد، استقلال‌نداشتن اجزای جُنگ است. اصطلاح «سفینه» نیز ـکه در کاربردشناسی جدید کتابداری جایگاهی ندارد و برای آن از واژهٔ «گلچین» بهره برده می‌شودـ با معادل غربی آن، آنتولوژی، قرابت معنایی دارد. در کاربردشناسی متقدم، این اصطلاح در برخی مواقع به اصطلاح «جُنگ» در معنای جدید آن، و در پاره‌ای موارد به «مجموعه» نزدیک می‌شود. گزیدهٔ آثار پدیدآوران مختلف، گاه به شعر و گاه به نثر، که گاهی به موضوع ویژه‌ای محدود می‌شود، معنای دیگر این واژه در نخستین ادوار حیات آن است. این اصطلاح و صورت دیگری از آن، یعنی مجموع، در بسیاری از منابع سدهٔ ششم هجری به بعد به‌معنای «تألیف» دیده می‌شود. اما در این پژوهش روشن کردیم که از چه زمانی این واژه معنای اصطلاحی سفینه و جُنگ ادبی یا چیزی مشابه آن را یافته است. جز دو اشارهٔ راوندی، در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

سدهٔ ششم هجری، شواهدی از متون نظم و نثر و نیز خود سفینه‌ها را بررسیدیم که نشان می‌دهد واژهٔ مزبور در اوایل قرن هشتم هجری دیگر معنای اصطلاحی خود را یافته است. شواهد موجود از سدهٔ هشتم هجری نشان داد که ادیبان این عهد از معنای اصطلاحی آن به‌خوبی آگاه بوده‌اند؛ اگرچه هنوز هم در این قرن بسامد کاربرد اصطلاح «مجموعه» به‌معنای موردبحث بسیار کمتر از بسامد اصطلاح «سفینه» است. شاید یکی از نخستین کاربردهای این اصطلاح را بتوان در دیباچهٔ کلاتی اصفهانی بر سفینهٔ ساختارمند و مدونش، *مونس الاحرار فی دقایق الاشعار*، نشان داد که در محلهٔ دردشت اصفهان آن را گردآوری کرده و دیباچه‌اش را به تاریخ پنجشنبه اول ربیع‌الاول ۷۰۲ ق. نگاشته است. ازآنجاکه در فضای ادبی ایران، سفینه، در بافتی استعاری، به‌معنای گلچین ادبی به‌کار رفته است، واژهٔ «جونک/ جونگ» نیز، که خود به‌معنای نوعی کشتی است، به‌تبعِ آن در چنین معنایی و با همان کاربرد استعاری، آرام‌آرام جای خود را باز کرده است.

در این جستار روشن شد که کهن‌ترین نمونه‌های کاربردِ جُنگ به‌معنای اصطلاحی‌اش در اوایل سدهٔ نهم هجری دیده می‌شود. کاربرد اصطلاحی جُنگ به‌معنای کتاب ادبی، از درگاه برخی شاهزادگان آل‌تیمور نشئت گرفته و این اصطلاح از قرن دهم به بعد، به این معنا، علاوه‌بر بلاد ایران، در بقیهٔ مناطقی که زبان فارسی روایی داشته نیز فهم می‌شده است. مفهومی که این واژه به ذهن ادبا و کتاب‌پردازان سدهٔ نهم هجری متبادر می‌کرده به‌هیچ‌وجه یکسان نبوده و تا رسیدن به یک نقطهٔ پایدار تحولاتی داشته است. به‌طوری‌که در برخی از نخستین کاربردها، شواهدی در دست است که نشان می‌دهد اصطلاح جُنگ، حتی گاهی به‌معنای «مجموعه» (در معنای امروزین آن، شامل چند رسالهٔ مستقل) استعمال می‌شده است.

پی‌نوشت

1. Collection

۲. تنها برای دو نمونهٔ کهن از آثاری که ساختار «مجموعه»ای به‌معنای قدیم آن، و درعین‌حال مطابق با معنا و کاربرد جدید آن، دارند و از همان روزگار تدوین، عنوان مجموعه برای آنها درنظر گرفته شده و بدان عنوان خوانده شده‌اند، می‌توان از *المجموعةالرشیدیة*، شامل رساله‌های متعددی از خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، گردآوری اوایل سدهٔ هشتم هجری، و نیز *المجموع الرائق من ازهار الحدائق*، گردآوری سید هبةالله‌بن‌حسن موسوی در ۷۰۳ق، یاد کرد که دارای ساختار مشابه آن چیزی است که در کتابداری امروزی «مجموعه» خوانده می‌شود.

3. Anthology, Miscellany

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

۴. این مقاله در مراحل تدوین نهایی قرار داشت که مدخل «سفینه»، نوشتهٔ دوست دانشمند، مهدی رحیم‌پور، در مجلد ۲۳ از *دانشنامهٔ جهان اسلام* (صص ۷۲۱-۷۲۹) به انتشار رسید. قطعاً یافته‌های منعکس‌شده در این مدخل ـکه با دقت و جست‌وجویی درخور و عالمانه گردآمده و تنظیم شده استـ کمک شایانی به پیش‌برد هدفی خواهد کرد که پژوهش حاضر نیز به‌دنبال آن است.

۵. این تاریخ‌ها تقریبی است.

6. Bilal Orfali

۷. برای این مطلب که تصور کرده‌اند نخستین سفینه‌های ادبی به شکل کشتی برش خورده و صحّافی می‌شده، مستند کهنی یافت نشده است. حتی اگر در ممالک هند و عثمانی از سدهٔ دهم به بعد یا در عهد قاجار یکی دو سفینه‌پرداز متذوق چنین کرده باشند، مطلبی را در باب دورهٔ مورد بحث اثبات نمی‌کند. بر این اساس، وضع واژه نباید بر مبنای ژرف‌ساختی تشبیهی، از نوع تشبیه محسوس، بوده باشد. وجه استعاری در وضع این اصطلاح، یا ناظر به اشتمال سفینه‌ها و کشتی‌ها بر اقلام متعدد و متنوعی از کالا و اجناس است یا ناظر به وجه نجات‌بخشی کشتی‌ها. به هر روی می‌توان احتمال داد در ذهن واضع نخستین، وجه نخست بیشتر مدنظر بوده باشد.

۸. در این بیت عنصری: ایا سفینه و هم قطب و گنج هر سه به هم/ سفینهٔ ادب و قطب علم و گنج هنر (عنصری بلخی، ۱۳۶۳: ۷۹) سفینه احتمالاً در معنایی نزدیک به گنجینه و خزانه به‌کار رفته است. بسنجید با دیگر ابیات شاعر (همان، ۱۹۷، ابیات ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲). چنین معنایی برای سفینه در فرهنگنامه‌ها ثبت نشده است. ادیب صابر ترمذی نیز در این بیت گویا همین معنا را از سفینه درنظر داشته است: خرد ز وصف تو سازد سفینه‌های امید/ زمین ز بهر تو دارد خزانه‌های دفین (ادیب صابر، ۱۳۴۳: ۷۶، ضبط پانویس؛ همان، ۱۳۸۵: ۲۲۹). باید به‌خاطر داشت که کشتی‌ها و سفینه‌هایی از اموال، همیشه در جنگ‌ها و مناسبات نظامی نقشی تعیین‌کننده داشته است. از «گنجِ بادآورد» که در یکی از نبردهای ایران عهد ساسانی و روم، سوار بر کشتی‌های اسیر باد مخالف، نصیب سپاه خسروپرویز ساسانی شد، می‌توان به‌مثابهٔ نمونه‌ای مشهور یاد کرد. همچنین، در منابع تاریخی، از سوارکردن خزانهٔ حکّام بر سفینه‌ها یاد شده است. صرفاً برای نمونه، ر.ک: ابن‌الاثیر، ۱۴۰۷ق/۸: ۱۹۳؛ ابن‌اثیر، برگردان فارسی، ۱۳/۱۳۸۵ :۵۶۵۱ (ذیل وقایع سال ۴۲۱ق: «ذکر مسیر أبی‌علی بن ماکولا إلی البصرهٔ و قتله»).

۹. «درین» و «دران»: در این موضوع و در آن موضوع، ممدوح شاعر چنین و چنان است.

۱۰. تصحیح شعبانلو: + و. با اینکه در تصحیح نفیسی از *دیوان عمعق*، صورت چندان درستی از این مصراع عرضه نشده است («در آن سفینه کتاب نوادر و آداب»: عمعق، ۱۳۳۹: ۱۳۱)، اما نبود «و» در چاپ او در این موضع، ضبط بهتری از این مصراع به‌دست می‌دهد. این «و» در برخی دست‌نویس‌های شعبانلو نیز وجود نداشته، که بایستی همان‌ها را در این موضع بر دست‌نویس‌های دیگر برتری داد (عمعق، ۱۳۸۹: ۲۲۵).

۱۱. نکتهٔ حائز اهمیت برای بررسی‌های دقیق آینده این است که در این شعر عمعق، هم واژهٔ «سفینه» و هم واژهٔ «گنج» در یک بیت قرار گرفته است و این اشارهٔ مهم و شاید سرنوشت‌سازی است که در شعری از عنصری (ر.ک: چهار پانویس پیش از این) نیز دیده می‌شود. ما درباب شعر عنصری، به غیراصطلاحی‌بودن آن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

حکم کردیم، که البته حکمی موقتی و تغییرپذیر است. امید است در آینده، از میان اسناد مربوط به دورهٔ غزنوی اول، بتوان وضعیت این کاربرد را در آن روزگار روشن‌تر کرد.

۱۲. برای نمونه‌های دیگری از کاربرد این اصطلاح به‌معنایی مشابه و نزدیک به معنای مزبور در سدهٔ ششم هجری، ر.ک: عبدالواسع جبلی، ۲۵۳۶: ۲۲۸: قصیده‌ای که فرستاده‌ای برِ من هست/ صحیفه‌ای ز علوم و سفینه‌ای ز نُتَف - با این توضیح که شاید این شاهد، قابل مناقشه باشد و نتوان به‌قطع و یقین، آن را به‌معنای اصطلاحی آن دانست، بلکه مرادِ شاعر شاید آن بوده که: قصیدهٔ ارسالی تو، مانند گنجینه‌ای و گنج‌خانه‌ای از نُتَف است ← امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۳۹۳: سفینه‌های خرد را فواکه است و نکَت/ صحیفه‌های ادب را نوادرست و غرر). کاربرد این اصطلاح در دواوین سدهٔ ششم، به همین دو مورد محدود نمی‌شود، بلکه این شواهد، تنها موارد در دسترس ما بود که اشاراتی کلی، ناظر به ساختار «سفینه»ها دربرداشت.

۱۳. بیت عثمان مختاری در ستایش ممدوحی است که در ترسّل تازی توانایی شگرفی داشته است: خواجهٔ عمید رئیس ابوالحسن علی‌بن‌محمد (عثمان مختاری، ۱۳۸۲: ۲۲۸- ۲۳۳).

۱۴. این بیت که نام شاعر را در خود دارد و بر همین مبنا تا حدودی انتسابش به سوزنی مسجّل است، در هیچ‌یک از دو *دیوان* چاپی شاعر (چاپ ۱۳۳۸ و ۱۳۴۴) نیامده است. احتمالاً دهخدا آن را از روی نسخهٔ دست‌نویس *دیوان سوزنی* که خود آن را گردآوری و تصحیح کرده بوده در *لغتنامه* ثبت کرده است. درباب نسخهٔ تصحیحی دهخدا که اینک در سازمان مؤسسهٔ لغتنامه نگه‌داری می‌شود، ر.ک: دانش‌پژوه، ۱۳۴۲: ۱۹.

۱۵. به‌نظر می‌آید که این معنا تا سدهٔ هشتم هجری نیز کم‌وبیش به‌کار می‌رفته و فهم می‌شده است. سعدی در بیت مشهوری، که در آن با «سفینه» جناس ایجاد کرده، خطاب به ممدوح خویش گوید:

کسان سفینه به دریا برند و سود کننـــد نه چون «سفینهٔ» سعدی، نه چون تـــو دریـــایی

(سعدی، ۱۳۸۶: ۷۴۹)

همچنین در این ابیات نجیب و اوحدی، همین معنا مراد بوده است:

ســـفینه از مـــدیحت ســـاختم زانـــک سخایت ژرف دریا می‌نماید

(نجیب‌الدین جرباذقانی، ۱۳۸۹: ۱۴۲)

به وصف روی منیر تو اوحدی پس ازین ســـفینه‌هـــا بنویـــسد کـــه انـــوری نکـــشد

(اوحدی، ۱۳۴۰: ۴۲۸)

۱۶. سفینهٔ حکمیات و نظم و نثر لطیف/ که بارگاه ملوک و صدور را شاید...الی آخره؛ که دربارهٔ سفینه‌ای در موضوع حکمیات و مشتمل بر نظم و نثر است که سعدی آن را به درگاه «صدر صاحب»، احتمالاً صاحب‌دیوان جوینی، ارسال کرده است (سعدی، ۱۳۸۶: ۸۲۶).

۱۷. شه‌بیت سرّ عشق که مطلوب جمله اوست/ بیتی است بس عجب، مطلب از سفینه‌ای (عطار، ۱۳۹۲: ۵۸۲). همچنین، اثیر اومانی در قطعه‌ای که در وصف یک سفینه سروده و در کنار قطعهٔ مشهور کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی (کمال، ۱۳۴۸: ۵۵۳، نیز نک: عزالدین عبدالعزیز کاشی، دستنویس کتابخانهٔ دانشگاه استانبول: گ ۲۹۲ب) از کهن‌ترین توصیف‌های منظوم مستقل دربارهٔ «سفینه» به‌شمار می‌رود، چنین بیتی دارد: تأمل کردمش در بحر اشعار/ نباشد نیز ازین بهتر سفینه/ چو اندر بحر شعرش خوض کردم/ ضرورت شد مرا درخور

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

سفینه (اثیر اومانی، ۱۳۹۰: ۴۹۵). اما باز هم هیچ‌یک از دو شاهد اخیر برای نبود نثر در سفینه‌های سدهٔ هفتم به میزان کافی قانع‌کننده و الزام‌آور نیست. شمس قیس رازی (۱۳۳۸: ۴۵۸-۴۵۹) نیز در سدهٔ هفتم به سفینه‌هایی اشاره کرده که «بعضی اشعار» در آن نوشته می‌شده است، اما انکار نکرده که در آنها نثری وجود داشته است. خالی از فایده نیست اشاره شود که گردآورندهٔ «مجموعهٔ» شمارهٔ ۲۹۵۰ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، مطالبی از «سفینه، تألیف الحکیم الکامل الشریف نصیرالدین محمد الطوسی» نقل کرده که دانش‌پژوه (۱۳۸۱: ۲۸۰) را دربارهٔ ماهیت این اثر ناشناخته از خواجه نصیر با ابهام مواجه ساخته است.

۱۸. یکی از قدیم‌ترین این اطلاق‌ها در شعری دیده می‌شود که جمال شروانی در سدهٔ هفتم دربارهٔ *نزهةالمجالس* خود، حاوی صرفاً رباعی و عاری از نثر، سروده و آن را «سفینه» خوانده است (جمال خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۶۸۶-۶۸۸).

۱۹. برای یک نمونه از این کاربرد از قرن هشتم هجری، به‌معنای کتابی حاوی نظم و نثر، می‌توان به دیباچه‌ای که بر *کلیات سعدی* نگاشته شده و قطعاً از ۷۵۳ق متأخرتر نیست اشاره کرد (ر.ک: سعدی، ۱۳۶۸: ۹۲۸): «پس هر کس ازین طایفه برای تقبیح قبایح [ضبط نسخهٔ مجلس: تنقیح فراغ] و تفریح فوادح و دفع بلیت و جلب جمعیت مجموعه‌ای می‌سازند و بحار علوم از منثور و منظوم [نسخهٔ مجلس: منظوم و منثور] در وی [نسخهٔ مجلس: در او] می‌پردازند و انواع فوائد و فرائد [نسخهٔ مجلس: فراید و فواید] درآن دفینه می‌کنند و نامش سفینه می‌نهند». این توصیف کم‌نظیر، که تاحدودی ساختار سفینه‌های مشتمل بر نظم و نثر را در قرن هشتم نشان می‌دهد، می‌تواند به‌منزلهٔ وجه غالب تعریف این اصطلاح در طول دوران سدهٔ ششم تا هشتم هجری پذیرفته شود. درواقع، پس از این دوران است که گویا آثار منظوم در «سفینه»ها غلبه می‌یابد و رفته‌رفته نثر از «سفینه» رخت برمی‌بندد. دربارهٔ فقرهٔ منقول از سعدی، این توضیح ضروری به نظر می‌رسد که محمدعلی فروغی دیباچهٔ مزبور را در نسخه‌های قدیم و معتبری که در دست داشته نیافته و قدمت کهن‌ترین دست‌نویس‌های مورد مراجعهٔ خود برای تصحیح آن بخش را حدود قرن دهم هجری می‌داند (سعدی، ۱۳۸۶: ۹۲۶؛ همان، دست‌نویس مجلس: گ ۵ب. این درحالی است که این بخش در دست‌نویس پاریس مورّخ ۷۶۷ق، مورد استفادهٔ فروغی، نیز وجود داشته است). اما دست‌نویس‌هایی از *کلیات سعدی* که پس از عهد او شناسایی شده، حاکی از آن است که این دیباچه شاید پس از دیباچهٔ بیستون یکی از قدیم‌ترین دیباچه‌های نگاشته‌شده بر *کلیات سعدی* باشد. آنچه علی‌العجاله دربارهٔ قدمت دیباچهٔ مزبور می‌توان بیان کرد آن است که یک دست‌نویس با تاریخ قطعی ۷۵۳ق محفوظ در کتابخانهٔ مجلس به شمارهٔ ۷۷۷۳، آن را دارد (سعدی، دستنویس مجلس: گ ۴ب- ۷الف).

۲۰. شرف‌الدین علی یزدی (۱۳۸۶: ۴۰) هم برای جلد جنگ شعر آورده (جهت جلد جنگی: جنگ‌ها در بحر باشد واندرین بحر شریف/ بحرها بینی گهرزا وان گهرها بس لطیف) هم برای جلد سفینه (جهت جلد سفینه: از آن کف تو گزیدم مقر بحر وجود/ که من سفینه‌ام و دست توست جودی جود) و از اینجا می‌توان احتمال داد که این دو را از هم متفاوت می‌دانسته است. همو در *منشآت* (۱۳۸۸: ۷۱-۷۲) نمونه‌ای از دیباچه بر سفینهٔ غزلیات آورده است: «چون از فنون اقسام اشعار غزل به زیادتی تداول و اشتهار ممتاز است در این وقت چندی از غزلیات استادان اختیار نموده در این سفینه... ثبت افتاد». بنابراین درمی‌یابیم که او سفینهٔ غزل را

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

به‌معنی گزیدهٔ غزل‌های شاعران مختلف به‌کار برده است. در سفینهٔ شعری که از اشعار شاعران پیش از سدهٔ هشتم، احتمالاً در سدهٔ دوازدهم از روی نسخه‌ای کهن کتابت شده و به سفینهٔ ۶۵۱سنا مشهور است، آمده است: «...مجموعه‌ای می‌سازند و بحار علوم از منظوم و منثور در او می‌پردازند و شوارد فوائد و زوائد لطائف که از افواه زیرکان و متون دفاتر صید کنند به‌واسطهٔ کتابت در قید می‌آرند و انواع فوائد و فراید در آن دفینه می‌کنند و نام سفینه می‌نهند» که نشان می‌دهد دست‌کم در هنگام نگارش این دیباچه در سفینه هم نمونهٔ نظم می‌آمده است و هم نمونهٔ نثر (ضیاء، ۱۳۹۱: ۳۰۲، نیز ر.ک: همان، ۳۰۴، ۴۸۵).

۲۱. تنها برای چند نمونهٔ اندک از کاربرد این اصطلاح به معنای نگارش و تألیف که از اوایل سدهٔ ششم هجری به بعد در دست است، ر.ک: ابن‌البلخی، ص۳، س۱۰، و س۱۳ (درحالی‌که از واژهٔ «تألیف» نیز، مثلاً در همان صفحه، س۱۴ استفاده شده است)؛ قزوینی رازی، صص ۲، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۰۰، ۴۰۵، ۴۰۶؛ راوندی، ۱۳۶۴: ۴۴، س۱۹ (و در همان سطر، استفاده از واژهٔ «کتاب» برای نگارشی دیگر؛ و نیز در ص۴۹، س۱۱؛ ص۵۷، س۲؛ و موارد دیگر)، ص۵۸، س۱۰ (اصطلاح «مجموع»)؛ عوفی، ۱۹۰۶م، ج۱، ص۹، س۲، ۶، و ص۱۰، س۱۱، و موارد متعدد دیگر؛ دهستانی، ۱/۱۳۶۳: ۱۲، س۲، ۴، ۶، و ص۱۳، س۵، ۱۳ و ۱۴. همچنین است عبارتی از دیباچهٔ شاید غیراصیل *مختارنامه* که در آن از گزیده‌ای از رباعیات عطار که در *مختارنامه* گرد آمده و مشتمل بر تمامی ابیات او نیست، چنین یاد شده است: «رباعیاتی که گفته شده شش‌هزار بیت بود، قریب هزار بیت شسته شد که لایق این عالم نبود و بدان عالم فرستادیم، ...، و از پنج‌هزار دیگر که باقی ماند این مقدار که در این مجموعه است اختیار کردیم بدین‌ترتیب، و باقی در دیوان گذاشتیم» (عطار، ۱۳۸۶: ۷۱). در اینجا نیز، شاید مجموعه به‌معنای منتخب و گزیده به‌کار رفته باشد. البته واضح است که هر دو شاهد اخیر را به‌معنای عام «تألیف» نیز می‌توان مراد کرد.

۲۲. وجود مطالب منثور در اثر مزبور، از آنجا روشن می‌شود که راوندی از تعبیر ذیل دربارهٔ محتویات این سفینهٔ مصوّر استفاده کرده است: «صورت هر شاعری می‌کردند و در عقبش شعر می‌آوردند و مضاحکی چند می‌نوشتند و آن حکایت را صورت رقم می‌زدند» (راوندی، ۱۳۶۴: ۵۷، س۵ و ۶). گویا در عبارات اخیر مضاحک را بایستی به‌معنای طنزهای منثور دانست.

۲۳. دقیقاً روشن نیست که کاربرد اصطلاح مورد گفت‌وگو در شعر سیف‌الدین فرغانی در نیمهٔ دوم سدهٔ هفتم هجری، پیرو همین معنای اصطلاحی باشد. او در غزلی به‌گونهٔ غزلیات سعدی، جامعیت معشوق را بر خصال نیکوی روحانی و جسمانی، با تعبیر احتمالاً ایهام‌گونهٔ «مجموعهٔ...» چنین می‌ستاید:

مانند تو در انجم و افلاک کس ندیـد مجموعـــه‌ای بـــر انفـــس و آفـــاق مـــشتمل

اما ایهامی‌بودن کاربرد این واژه در *دیوان سیف فرغانی* زمانی محملی از واقعیت دارد که بتوانیم اثبات کنیم ادبای سدهٔ هفتم هجری از واژهٔ «مجموعه» معنای سفینه را هم برداشت می‌کرده‌اند؛ چنان‌که ادبای سدهٔ هشتم هجری چنین بوده‌اند. اما این مطلب دربارهٔ دورهٔ محل بحث فعلاً قابل اثبات نیست.

۲۴. دربارهٔ *مونس الاحرار* کلاتی و احتمالاتی که دربارهٔ سال تدوین اولیهٔ اثر و استدراک‌های بعدی مؤلف بر آن وجود دارد، ر.ک: نذیر احمد، ۱۳۹۰: ۲۳۷-۲۹۱. برای یک نظر متفاوت درباب دیباچهٔ *مونس‌الاحرار* کلاتی، رک: صفری، ۱۳۹۱: ۳۵۰.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

۲۵. اصل: رحمهٔ.

۲۶. چنین است در اصل؛ ظ: و دو باب در.

۲۷. در این موضع، می‌توان به وجود اصطلاح مجموعه به‌معنای مورد گفت‌وگو در همان دیباچهٔ کهن *کلیات سعدی* اشاره کرد که در چند یادداشت پیشین بدان اشاره شد. ازآنجاکه تعیین قدمت زمانی دقیق این دیباچه دشوار است، احتیاط علمی اقتضا می‌کند که زمان آن را به حوالی نیمهٔ قرن هشتم هجری، زمان کتابت یکی از قدیم‌ترین دست‌نویس‌های تاریخ‌دار اثر مورخ ۷۵۳ق، برگردانیم.

۲۸. سه بیتی که در آنها این اصطلاح به‌کار رفته، به این قرار است: قدر مجموعهٔ گل مرغ سحر داند و بس/ که نه هر کو ورقی خواند معانی دانست (حافظ، ۱۳۷۲: ۱۲۷)؛ چون صبا مجموعهٔ گل را به آب لطف شست/ کج‌دلم خوان گر نظر بر صفحهٔ دفتر کنم (همان، ۴۱۵)؛ خاطر به دست تفرقه دادن نه زیرکی‌ست/ مجموعه‌ای بخواه و صراحی بیار هم (همان، ۴۳۲). از این میان، در دو بیت نخست، ترکیب «مجموعهٔ گل» به‌کار رفته است که معنایی ایهامی دارد. به‌نظر می‌رسد معنای نخست این ترکیب انبوهی از گل یا باغچه است، و دیگری «کتاب» یا «سفینهٔ» گل. البته روشن است که نمی‌توان براساس این دو شاهد قطعاً اعلام کرد که مقصود حافظ از این معنای دوم کتاب/ تألیف بوده است یا سفینه. در بیت سوم با کاربرد واژه به‌شیوهٔ ایهام تضاد مواجهیم (راستگو، ۱۳۷۹: ۴۹۲)؛ زیرا از میان معانی این واژه، دو معنا درنظر شاعر بوده است: یکی معنای سفینه که در این بیت مقصود همان است، و دیگری معنای «آسوده‌خاطر و فارغ‌بال» (البته در صورت دیگری از واژه، یعنی «مجموع») که با «تفرقه» تضاد ایجاد کرده است.

۲۹. «و درین مجال این مجموعهٔ فرخنده‌مطلع ستوده‌مآل به سعادت و اقبال سمت استکمال یافت».

۳۰. این لغت به برخی زبان‌های دیگر هم راه پیدا کرده است. مثلاً در انگلیسی junk به‌کار می‌رود.

۳۱. در باب جونگ‌های چینی که یک نمونهٔ موفق در طراحی کشتی‌هایی مقاوم و پرسرعت برای مسافت‌های طولانی و مسیرهای خشن و طوفانی به‌شمار می‌رود، ر.ک: *The New Encyclopaedia Britannica*, vol.6, p.656, vol.16, p.203, vol.28, p.786.

۳۲. رشیدالدین فضل‌الـله همدانی، دست‌کم در سه موضع از کتابی که درباب فلاحت به یادگار گذاشته از این واژه استفاده کرده و توضیحات مفیدی دربارهٔ آن داده است. نخستین‌بار، از ساخت «کشتی‌های جونک» از چوب درخت دارچنی، که دو نوع هندی و چینی آن را توصیف کرده، یاد می‌کند (فضل‌اللـه همدانی، ۱۳۶۸: ۷۸). در جای دیگری، هنگام سخن‌گفتن از ساخت کشتی از چوب درخت صنوبری که در هندوستان در ولایت «منزی» به‌دست می‌آید، می‌افزاید که بخش بالایی (ظ: عرشهٔ) «جونک»ها «در مواضعی که مردم بسیار بر آن گذرند به چون دارچنی [ضبط چاپی: دارچینی] کنند که محکم‌تر است تا به زخم پای زود خراب نشود» (همان، ۹۲). همچنین، هنگام ذکر صمغی که از صنوبرِ روییده در چین به‌دست می‌آید، بیان می‌کند که «آن روغن را به هم آمیخته در مواضع شکاف‌های جونک و کشتی می‌کنند تا محکم باشد و از آن روغن در کشتی مالند، آب در آن کمتر اثر کند» (همان). در توضیح درباب ضبط واژه در کتاب رشیدالدین می‌توان افزود که ضبط آن در متن تصحیح‌شدهٔ کتاب به «گ» پایانی است. ازآنجاکه در دست‌نویس‌های اثر تمایزی بین «ک» و «گ» وجود ندارد، ضبط به «گ» برگزیدهٔ مصححان است و نباید ملاک نهایی و قطعی از منظر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

ریشه‌شناسی قرار گیرد. هرچند محتمل است حرف آخر واژۀ مورد گفت‌وگو در زبان‌های شرق دور نیز «گ» باشد و در فارسی هم به‌همین‌صورت وارد شده باشد. آنچه اکنون دراین‌باره می‌توان بیان کرد آن است که ضبط حرف پایانی این واژه در متون فارسی متعلق به عهد ایلخانی به بعد، چندان روشن نیست؛ بنابراین با اینکه احتمال دارد حرف انتهایی در زبان چینی گویا به «گ» نزدیک‌تر باشد، احتیاط علمی ایجاب می‌کند تا روشن‌تر شدن دقیق موضوع، نخستین کاربردهای واژه را در زبان فارسی از آغاز سدۀ هشتم هجری، به «ک» پایانی و بدون سرکش بینگاریم.

۳۳. جمله‌ای که حاوی شاهد مورد گفت‌وگوست، برمبنای دست‌نویس کهن کتابخانۀ مجلس مورخ ۸۶۸ق و طبع بمبئی چنین است: «و پیوسته طرائف اقصی چین و ماچین، و روائع بضایع بلاد هند و سند به سفاین بزرگ که آن را جنک گویند، أمثال الجبال تجری بجناح الریاح علی سطوح المیاه، بدانجا متواصل باشد».

۳۴. شاید از میان معاصران، نخستین کسی که به این ساخت و کاربرد استعاری/ مجازی واژه توجه کرد، علامه محمد قزوینی باشد (ر.ک: قزوینی، ۱۳۳۳: ۱۷۹).

۳۵. کاربرد اصطلاح بیاض در معنی مورد نظر این پژوهش، یعنی مجموعۀ نظم و نثر و مانند آن، قدمت زیادی ندارد و گویا از عصر صفوی به بعد رایج شده است. بنابراین در محدودۀ این تحقیق جایی ندارد. اما برای روشن‌شدن این مبحث نمونه‌هایی از آن نیز نقل می‌شود. عرفی شیرازی (۹۶۳- ۹۹۹ق) گوید: زمانه خواند و فلک بر بیاض دیده نوشت/ که این قصیده بیاضی بود نه دیوانی (عرفی، ۲/۱۳۷۸: ۳۸۴). یکی از نمونه‌های قدیم این کاربرد در *تذکرۀ میخانه* آمده است. هنگامی که شکیبی اصفهانی (۹۶۴-۱۰۲۳ق) به خدمت جهانگیرشاه گورکانی رسید، شاه به او «فرمود که مولوی، ما این رباعی شما را به خط خاص خود بر بیاض خویش نوشته‌ایم...» (عبدالنبی فخرالزمانی، ۱۳۷۵: ۳۰۵). در همین کتاب شعری از مؤلف آمده که باز بیاض را به‌همین معنا به‌کار برده است: میخانۀ من که حاصل عمر من است/ مجموعۀ اخبار و بیاض سخن است// نثرش به‌مزه همچو کباب مزه است (ظ: تازه‌ست)/ نظمش همه نافع چو شراب کهن است (همان، ۹۲۴). نصرآبادی هم بیتی از یکی از شاعران یزدخاست فارس به نام کفری نقل کرده که ظاهراً بیاض در آن همان معنای مورد نظر ما را دارد: یار اگر نازد ز بیت طاق ابرو می‌رسد/ کان دو مصرع در بیاض آفتاب و ماه نیست (نصرآبادی، ۱۳۷۹: ۶۴۱).

منابع

ابن‌اثیر، عزالدین (۱۳۸۵) *تاریخ کامل*. ترجمۀ حمیدرضا آژیر. جلد ۱۳. تهران: اساطیر.

ـــــــــ (۱۴۰۷ق) *الکامل فی التاریخ*. راجعه و صحّحه الدکتور محمّد یوسف الدقاقۀ. بیروت: جلد ۸. دارالکتب العلمیه.

ابن‌البلخی (۱۳۶۳) *فارس‌نامه*. به‌سعی و اهتمام و تصحیح گای لیسترانج و رینولد الن نیکلسون. دانشگاه کمبریج. از سری اوقاف گیپ. چاپ دوم. چاپ افست تهران: دنیای کتاب،

اثیر اومانی (۱۳۹۰) *دیوان*. تحقیق و تصحیح امید سروری و عباس بگ‌جانی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]

[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

ادیب صابر ترمدی (۱۳۴۳) *دیوان*. به تصحیح و اهتمام محمدعلی ناصح. تهران: علمی.

ـــــــــ (۱۳۸۵) *دیوان*. مقدمه، تصحیح و تنقیح احمدرضا یلمه‌ها. تهران: نیک‌خرد.

افشار، ایرج (۱۳۸۰) «جنگ و بیاض». در: تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی. *بخارا*، شمارهٔ ۱۹: ۷۱-۷۲.

ـــــــــ (۱۳۹۳) پیشگفتار «گنجینهٔ سفینه‌های کهن پارسی»، در: سرآغاز سفینهٔ بولونیا، به‌کوشش ایرج افشار، محمد افشین‌وفایی و شهریار شاهین‌دژی، تهران: سخن: ۹-۱۰؛ و نیز: *جنگ رباعی، بازیابی و تصحیح رباعیات کهن پارسی*، پژوهش و ویرایش سیدعلی میرافضلی، تهران، سخن، ۱۳۹۴: ۷-۸؛ و نیز: *سفینهٔ کهن رباعیات*، تصحیح و تحقیق ارحام مرادی و محمد افشین‌وفایی، تهران، سخن، ۱۳۹۵: ۹-۱۰.

امیرمعزی (۱۳۱۸) *دیوان*. به سعی و اهتمام عباس اقبال. تهران: کتابفروشی اسلامیه.

اوحدی مراغی (۱۳۴۰) *دیوان*. با تصحیح و مقابله و مقدمهٔ سعید نفیسی. تهران: امیرکبیر.

باقری خرمدشتی، ناهید (۱۳۹۵) *دست‌نامهٔ قواعد فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران.

تاج‌الدین احمد وزیر (۱۳۸۱) *بیاض تاج الدین احمد وزیر* تصحیح علی زمانی علویجه. جلد۲. قم: مجمع ذخائر اسلامی.

ـــــــــ (۱۳۵۳) *بیاض تاج‌الدین احمد وزیر*. به‌کوشش ایرج افشار و مرتضی تیموری. اصفهان: بی‌نا.

جمال خلیل شروانی (۱۳۷۵) *نزهةالمجالس*. محمدامین ریاحی. چاپ دوم. تهران: علمی.

جمال معلم (جمال‌الدین محمدبن‌محمد اصفهانی- زنده در ۷۹۷ق) (۱۳۹۰) *یتیمهٔ الدرر و کریمهٔ الفقر* (مجموعه نظم و نثر مسطور از خطوط اکابر شیراز)، نسخه‌برگردان دست‌نویس شمارهٔ ۵۸۷۴ کتابخانه ملی ملک، به مقدمه و توضیحات بهروز ایمانی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی- کتابخانهٔ ملّی ملک.

جهان‌ملک‌خاتون (۱۳۷۴) *دیوان کامل*. پوراندخت کاشانی و کامل احمدنژاد. تهران: زوار.

حافظ (۱۳۷۲) *حافظ به سعی سایه*. تهران: توس.

دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۲) «فهرست کتابخانهٔ سازمان لغت‌نامهٔ دهخدا». نشریهٔ نسخه‌های خطی (دربارهٔ نسخه‌های خطی). زیرنظر محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار. جلد ۳. دانشگاه تهران: ۱-۵۹.

ـــــــــ (۱۳۸۱) حدیث عشق۲. دانش‌پژوه در قلمرو جستارهای نسخه‌های خطی. به‌کوشش نادر مطّلبی کاشانی و سیدمحمّدحسین مرعشی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

ـــــــــ و ایرج افشار (۱۳۷۴) *فهرستوارهٔ کتابخانهٔ مینوی و کتابخانهٔ مرکزی پژوهشگاه*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

دهخدا (۱۳۷۷) *لغتنامه*. دانشگاه تهران.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

دهستانی، حسین‌بن‌اسعد (۱۳۶۳) *فرج بعد از شدت*. با مقابله و تصحیح اسماعیل حاکمی. جلد ۱. چاپ دوم. تهران: اطلاعات.

راستگو، سیدمحمد (۱۳۷۹) *ایهام در شعر فارسی*. تهران: سروش.

الراوندی، محمدبن‌علی‌بن‌سلیمان (۱۳۶۴) *راحة الصدور و آیة السرور در تاریخ آل‌سلجوق*. به سعی و اهتمام محمد اقبال. به‌انضمام حواشی و فهارس با تصحیحات مجتبی مینوی. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

رشیدالدین وطواط (۱۳۳۹) *دیوان*. با مقدمه و مقابله و تصحیح سعید نفیسی. تهران: کتابخانهٔ بارانی.

رضی‌الدین نیشابوری (۱۳۸۲) *دیوان*. تصحیح و توضیح ابوالفضل وزیرنژاد. مشهد: محقق.

سروری کاشانی (۱۳۳۸) *فرهنگ مجمع الفرس*. به‌کوشش محمد دبیرسیاقی. جلد ۱. تهران: کتابفروشی علی‌اکبر علمی.

سعدی (۷۵۳ق) *کلیات*. دست‌نویس کتابخانهٔ مجلس. شمارهٔ ۷۷۷۳.

ـــــــ (۱۳۸۶) *کلیات*. به‌اهتمام محمدعلی فروغی. ویراستهٔ بهاءالدین خرمشاهی. چاپ چهاردهم. تهران: امیرکبیر.

سفینهٔ ۹۰۰ کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی. کتابت در سدهٔ هشتم هجری.

سلطانی، پوری و فروردین راستین (۱۳۷۹) *دانشنامهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران: فرهنگ معاصر.

سیف جام هروی (حدود ۷۶۲-۸۰۴ ق.) *مجموعهٔ لطائف و سفینهٔ ظرائف*. دست‌نویس کتابخانهٔ بریتانیا. شمارهٔ ۴۱۱۰ شرقی (Or.4110). متعلق به اوایل سدهٔ نهم هجری.

سیف فرغانی (۱۳۶۴) *دیوان*. با تصحیح و مقدمهٔ ذبیح‌الـله صفا. چاپ دوم. تهران: فردوسی.

شرف‌الدین علی یزدی (۱۳۸۶) *منظومات*. به‌کوشش ایرج افشار. تهران: ثریا.

ـــــــ (۱۳۸۸) *منشآت*. به‌کوشش ایرج افشار. با همکاری محمدرضا ابوئی مهریزی. تهران: ثریا.

شمس حاجی (۱۳۹۰) *سفینهٔ شمس حاجی*. تصحیح و تحقیق میلاد عظیمی. تهران: سخن.

شمس قیس رازی (۱۳۳۸) *المعجم فی معاییر اشعار العجم*. تصحیح محمد قزوینی. با تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.

صفری آق‌قلعه، علی (۱۳۹۰) *نسخه‌شناخت* (پژوهشنامهٔ نسخه‌شناسی نسخ خطی فارسی). تهران: میراث مکتوب.

ـــــــ (۱۳۹۱) «جنگ زیلوفاف». در: *نذر عارف*، جشن‌نامهٔ دکتر عارف نوشاهی. به خواستاری سعید شفیعیون و بهروز ایمانی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی: ۳۴۷-۴۰۴.

ضیاء، محمدرضا (۱۳۹۱) «سفینهٔ شاعران قدیم: نیمهٔ دوم نسخهٔ ۶۵۱سنا»، متون ایرانی، به‌کوشش جواد بشری. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی: ۲۹۷-۵۰۸.

عبدالنبی فخرالزمانی (۱۳۷۵) *تذکرهٔ میخانه*. تصحیح احمد گلچین معانی. چاپ ششم. تهران: اقبال.

عبدالواسع جبلی (۲۵۳۶) *دیوان*. به اهتمام و تصحیح و تعلیق ذبیح‌الله صفا. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]

[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

عثمان مختاری (۱۳۸۲) *دیوان*. به‌اهتمام جلال‌الدین همایی. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
عرفی شیرازی (۱۳۷۸) *کلیات*. به‌کوشش و تصحیح ولی‌الحق انصاری. تهران: دانشگاه تهران.
عزالدین عبدالعزیز کاشی. روضهٔ الناظر و نزهةُ الخاطر. کتابخانهٔ دانشگاه استانبول. شمارهٔ ۷۶۶. مورخ سدهٔ هشتم هجری. میکروفیلم شمارهٔ ۲۴۷ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران.
عطار نیشابوری (۱۳۸۶) *مختارنامه*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی‌کدکنی. چاپ سوم. تهران: سخن.
ـــــــــ (۱۳۹۲) *دیوان*. به سعی و تصحیح مهدی مداینی و مهران افشاری. با همکاری و نظارت علیرضا امامی. تهران: چرخ.
عظیمی، حبیب‌الـله (۱۳۹۶) *نسخه‌نامه* (کانون‌های استنساخ، عناصر نسخه‌شناسی، رویه‌های فهرست‌نویسی، شناخت جعل و اصالت نسخه‌ها). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
عظیمی، میلاد (۱۳۹۰) *مقدمهٔ سفینهٔ شمس حاجی*. رک: شمس حاجی.
عمعق بخارایی (۱۳۳۹) *دیوان*. با مقابله و تصحیح و مقدمه و جمع‌آوری سعید نفیسی. طهران: فروغی.
ـــــــــ (۱۳۸۹) *دیوان اشعار*. مصحح: علیرضا شعبانلو. تهران: آزما.
عنصری بلخی (۱۳۶۳) *دیوان*. به‌کوشش محمد دبیرسیاقی. چاپ دوم. تهران: کتابخانهٔ سنائی.
عوفی، محمد (۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م) *لباب الالباب*. به سعی و اهتمام و تصحیح ادوارد براون انگلیسی. لیدن: مطبعهٔ بریل.
ـــــــــ (۱۳۳۵) *لباب الالباب*. با تصحیحات جدید و حواشی و تعلیقات کامل به‌کوشش سعید نفیسی. تهران: کتابفروشی ابن‌سینا- کتابخانه حاج‌علی علمی.
فضل‌اللـه همدانی، رشیدالدین (۱۳۶۸) *آثار و أحیاء* (متن فارسی دربارهٔ فن کشاورزی). به‌اهتمام منوچهر ستوده و ایرج افشار. تهران: مؤسسهٔ مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل شعبهٔ تهران: با همکاری دانشگاه تهران.
فیروزبخش، پژمان (۱۳۹۲) «پراکنده‌ها۳». *بخارا*. سال پانزدهم. شمارهٔ ۹۲: ۳۱۶-۳۲۷.
قزوینی، محمد (۱۳۲۶) «استعمال قدیم سفینه به معنی جنگ». *یادگار*. سال چهارم. شمارهٔ ۴: ۷۰.
ـــــــــ (۱۳۳۳) *یادداشت‌های قزوینی*. به‌کوشش ایرج افشار. جلد ۲. تهران: دانشگاه تهران.
ـــــــــ (۱۳۶۳) *مقالات علامه قزوینی*. جلد ۳. تهران: اساطیر.
قزوینی رازی، نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل (۱۳۵۸) *نقض*. معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض. به‌تصحیح استاد فقید میرجلال‌الدین محدث. تهران: انجمن آثار ملی.
کلاتی اصفهانی، احمدبن‌محمدبن‌احمدبن‌محمد. *مونس الاحرار فی دقایق الاشعار*. دست‌نویس کتابخانهٔ حبیب‌گنج. میکروفیلم ۳۷۸۷ دانشگاه تهران.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]
[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]

کمال‌الدین اسمعیل اصفهانی (۱۳۴۸) *دیوان*. به اهتمام حسین بحر العلومی. تهران: دهخدا.

گاچک، آدام (۱۳۹۴) *فرهنگ اصطلاحات توصیفی نسخه‌های خطی جهان اسلام*. ترجمهٔ علی قلی نامی. تهران: شکوهی.

محمدبن بدرالجاجرمی (۱۳۳۷) *مونس الاحرار فی دقائق الاشعار*. به اهتمام میرصالح طبیبی. جلد ۱. چاپ اتحاد.

ـــــــ (۱۳۵۰) *مونس الاحرار فی دقائق الاشعار*. به اهتمام میرصالح طبیبی. جلد ۲. انجمن آثار ملی.

محمدبن‌یغمور (۱۳۹۶) *سفینهٔ ترمد*. به‌کوشش امید سروری با همکاری سید باقر ابطحی. تهران: محمود افشار با همکاری سخن.

مسافربن‌ناصر الملطوی (۱۳۹۰) *انیس الخلوة و جلیس السلوة*. نسخه‌برگردان دستنویس شمارهٔ ۱۶۷۰ کتابخانهٔ ایاصوفیا. به‌کوشش محمد افشین‌وفایی و ارحام مرادی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

نجیب‌الدین جرباذقانی (گلپایگانی) (۱۳۸۹) *دیوان*. تصحیح محمود مدبری. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.

نخجوانی، هندوشاه‌بن سنجربن‌عبدالله صاحبی (۱۳۱۳) *تجارب السلف در تواریخ خلفا و وزرای ایشان*. به تصحیح و اهتمام عباس اقبال: طهران: بی‌نا.

نذیر احمد (۱۳۹۰) *قند مکرر پارسی: هجده گفتار ادبی و تاریخی*. ترجمهٔ سیدحسن عباس. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.

نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۷۹) *تذکرهٔ نصرآبادی*. به‌کوشش احمد مدقق یزدی. یزد: دانشگاه یزد.

نیساری، سلیم (۱۳۸۰) *نسخه‌های خطی حافظ: سدهٔ نهم*. شیراز: مرکز حافظ‌شناسی.

وصاف‌الحضره، فضل‌الله‌بن‌عبدالله شیرازی (۱۲۶۹ق) *تجزئة‌الامصار و تزجیة‌الاعصار* (تاریخ وصاف). ۵ جلد در یک مجلد. چاپ سنگی. بمبئی.

ـــــــ *تجزئة‌الامصار و تزجیة‌الاعصار* (تاریخ وصاف). نسخهٔ خطی کتابخانهٔ مجلس، شمارهٔ ۸۳۲۱.

The New Encyclopaedia Britannica (2003) by Encyclopaedia Britannica, Inc., 15th edition, printed in U.S.A., 29 vol.

Orfali, Bilal (2012) "A Sketch Map of Arabic Poetry Anthologies up to the Fall of Baghdad", *Journal of Arabic Literature*, 43: 29- 59.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.1.5]

[DOI: 10.29252/jpll.26.85.7]